

# یک قرارداد بازرگانی

بین

ایران و فرانسه

بقلم

سرشبک مندرج جانیگر قائم مقام

این قرارداد که در سال ۱۲۶۳ قمری (۱۲۲۶ خورشیدی ... ۱۸۴۷ میلادی) بین ایران و فرانسه انعقاد یافت ولی باتمام کوششی که سفیر وقت فرانسه برای مبادله آن بکار برد، هرگز مبادله نشد تاریخچه ای جالب دارد و تجزیه و تحلیل وقایعی که در جریان انعقاد آن روی داده است معرف صحنه‌هایی حساس از رقابتهای دول اروپائی در ایران و نکاتی مهم از علل پیروزیها و شکست هادر روابط بین‌المللی است که بدست سیاستمداران و افراد منتخب ملتها صورت عمل می‌یابد.

در بررسی تساریخچه این معاهده، اهمیت نقش یک

سیاستمدار و فرد منتخب را در روابط بین‌المللی استنباط می‌کنیم و می‌بینیم استدراکات، اقدامات و اتخاذ تصمیمها در مسائل سیاسی و روابط بین‌دو یا چند ملت و دولت تا چه اندازه به شخصیت، کیفیات روحی، رفتار، صفات، طرز تفکر و تعقل فرد منتخب يك جامعه و دولت و نحوه توجه او بمصالح ملی و یا فردی و همچنین به پشتیبانی‌هایی که از او بشود بستگی دارد.<sup>۱</sup>

اینک با این مقدمه مختصر، بشرح تاریخیچه معاهده مزبور می‌پردازیم: بعد از آنکه روابط ایران و فرانسه در زمان ناپلئون بناپارت، بارفتن هیأت سفارت سر تیب گاردان (General Gardanne) قطع شد (سال ۱۲۲۴ قمری - ۱۸۰۹ م) دیگر مدت‌ها میان ایران و فرانسه رابطه‌ای نبود و بعد از سقوط ناپلئون هم، اگرچه در سال ۱۲۳۴ قمری (۱۸۱۹ م) میرزا ابوالحسن خان ایلچی، از جانب دربار فتح‌علیشاه بسفارت فرانسه رفت و شش‌سال بعد یعنی در سال ۱۲۴۰ (۱۸۲۵) نیز یکی از رؤسای کمپانی هند و فرانسه موسوم به دباسن دوریشمونند Des Bassyns de Richmond با نامه‌ای از طرف شارل دهم پادشاه فرانسه به تهران آمد، ولی باید دانست دولت فرانسه به برقراری ارتباط با ایران توجهی نداشت زیرا این دو سفارت مآلاً منتج به برقراری ارتباط و حصول نتیجه‌ای نشد خاصه که از این دو سفارت اثری در مدارک و بایگانیهای فرانسه بجای نمانده

۱- البته تأثیر عوامل دیگری مثل عوامل جغرافیائی، شرایط اجتماعی، نیروهای اقتصادی، مسائل مالی، خصایص روحی، ملیت و احساسات ملی رانیز که جمع آنها در فلسفه نوین تاریخ روابط بین‌المللی به «نیروهای مؤثر و عامل» تعبیر میشود نباید نادیده گرفت و برای اطلاع از این فلسفه بکتاب نفیس مقدمه بر روابط بین‌المللی تألیف پی. رنووین و دوروزل، استادان تاریخ معاصر و جدید در دانشگاه پاریس رجوع شود (۵۲۱ صفحه قطع وزیری چاپ پاریس سالهای ۱۹۶۴ و ۱۹۶۶) که مبنی است بر دو مبحث اساسی «نیروهای مؤثر و عامل، Les Forces Profondes» و «نقش سیاستمدار» L. Homme d. état بقلم دوروزل و متأسفانه این کتاب پر ارزش هنوز در مراجع رسمی تحقیق ایران شناخته نشده است. Introduction à l. Histoire des relations Internationales. Par: Pierre Renouvin et Jean-Baptiste Duroelle.

است تا نسبت بوضع و چگونگی آن بتوان قضاوت کرد<sup>۲</sup> چنانکه لو فیر دو بکورت Le Febre de Becourt مأمور فرانسه در گزارش مبسوطی تحت عنوان شرحی در باب روابط فرانسه با ایران<sup>۳</sup> در این خصوص نوشته است :

هدف این سفارت بسیار مبهم و نامعلوم است. همی نقد می دانیم که منظور از آن، برقراری روابط بازرگانی با ایران از راه اودسا Odessa و تفلیس و ایجاد تسهیلاتی برای توسعه وسط روابط تجاری که سابقاً بین جزیره بوربن Bourbon و خلیج فارس وجود داشته، بوده است و نیز پیشنهاد کرده بودند یک سرکنسولگری در ایران دائر شود که گاه در تمریز و گاه در تهران باشد. اما این طرح بمرحله عمل در نیامد و دنبال آنرا هم نگر رفتند و از علل عدم اجرای آن نیز اطلاعی نداریم.<sup>۴</sup>

انعقاد عهدنامه آندرینوپل Andrinople در ۱۴ سپتامبر ۱۸۲۹ (ربیع الاخره ۱۲۴۵ قمری) موقعیت مناسبی برای فرانسویان بوجود آورد که در راههای بازرگانی مشرق تسهیلات و امکانات بیشتری داشته باشند زیرا بموجب آن قرارداد دولت عثمانی (ترکیه) ناگزیر شد دست از نظارت بر دهانه رودخانه دانوب بردارد و بالنتیجه راه بازرگانی از دریای سیاه و تنگه های بسفر و داردانل بر سرزمین قفقازیه و ارمنستان و ایران باز میشد.<sup>۵</sup>

۲- از میرزا ابوالحسن خان فقط یکی دو نامه در بایگانی وزارت امور خارجه فرانسه باقی است که از نظر تاریخی ارزشی ندارد جز اینکه برای نشان دادن نحوه تفکر و اخلاق میرزا ابوالحسن خان جالب است. رجوع کنید بمقاله نگارنده در مجله یفعا که متن نامه های مزبور با توضیحاتی در آنجا بچاپ رسیده است.

۳- ۳۲۷ در جلد دوم «گزارشها و مدارک مربوط با ایران» در بایگانی وزارت امور خارجه فرانسه. Memoire sur les relations de la France avec la Perse از برگ ۲۸۷ تا

۴- همان مجموعه، برگ ۳۲۵

۵- همان مجموعه برگ ۲۷۷ - گزارش سفیر فرانسه در سن پترزبورگ بتاريخ ۲۲ سپتامبر

۱۸۲۹ و همچنین بکتاب ژاک دروز Jacques Droze بنام «تاریخ دیپلماسی از ۱۶۴۸ تا ۱۹۱۹» صفحه ۳۱۴ - ۳۱۵ چاپ سال ۱۹۵۹ و کتاب «تاریخ روابط بین المللی» جلد پنجم صفحه ۱۰۷ - ۱۰۸ تألیف پی یررنون Pi. Renouvin چاپ پاریس سال ۱۹۶۵ رجوع کنید.

این است که می بینیم مأموران فرانسه در روسیه و خاورمیانه، در گزارشهای خود همه جا دولت متبوع خود را به برقراری روابط بازرگانی با ایران ترغیب و تشویق می کنند<sup>۶</sup>، اما باز دولت فرانسه ب فکر این ارتباط نیفتاد.

در سال ۱۲۵۱ قمری (۱۸۳۵ م) کشتی رانی با کشتی های بخاری بین انگلستان و هندوستان از راه دریای سرخ دایر شد و همچنین دایر شدن سرویس کشتی رانی بین دانوب و ترکیه توجه بازرگانان اروپائی را بسوی آسیا جلب کرد که برای کالاهای خود بازارهایی تازه، باراهای نزدیکتر بیابند.<sup>۷</sup>

بدنبال این اوضاع، میان ایران و انگلیس قراردادی بازرگانی بسته شد (صفر - ربیع الاول ۱۲۵۱ مطابق باژون ۱۸۳۶) و بموجب آن، همان امتیازات و حقوق را که روسها باستناد عهدنامه ترکمانچای (شعبان ۱۲۴۳ - فوریه ۱۸۲۸) بدست آورده بودند انگلیسها نیز تحصیل کردند.<sup>۸</sup> بنابراین وضع و مشی روابط بازرگانی ایران با دولتهای روسیه و انگلیس در این سالها کاملاً روشن و مشخص بود و بدین جهت، توجه فرانسه رفته رفته بسوی بازار ایران معطوف گردید و یادداشتها و گزارشهای متوالی مأموران آن دولت نیز<sup>۹</sup> بیشتر سبب این عطف توجه میشد.

مقارن این احوال میان انگلیس و ایران بر سر مسأله هرات اختلاف شدیدی

۶- از جمله لوتیه Le Ttelier کنسول فرانسه در تفلیس مینویسد: «خلاصه مطلب اینکه فرانسه در وضع فعلی بازرگانی خود و همچنین برای آینده، باید بتجدید روابط و توسعه آن با ایران بپنجهد. از جانب ایران نیز در این زمینه اطمینان و مزایای زیاد مترتب است. انعقاد یک عهدنامه با این دولت، بسهولت امکان دارد و هنگام آن مرا رسیده است که مصممانه بآن توجه شود و بلااقل مبنای آن از هم اکنون فراهم گردد. در موقعیت سیاسی مشرق و ایران که هر لحظه انتظار وقایع و حوادث بسیار مهم میرود و بخصوص با وضع روسیه که در بروز این حوادث نقش بزرگی را خواهد داشت، وجود یکنفر از طرف دولت فرانسه که در این ناحیه از آسیا ناظر بر جریان وقایع باشد لازم و ضرور است.»  
بایگانی نظامی ارتش فرانسه مجموعه ۱۵۱۱ قطعه ۱۴ صفحه ۴۷ - ۴۸

۷- برگ ۲۲۳ ج ۶ گزارشها و مدارک مربوط به ایران.

۸- ر.ک. بکتاب عهدنامه ها و قراردادهای ایران با دول خارجه تألیف مؤتمن الملک.

۹- ر.ک. بمجلات ۲ و ۱۰ و ۱۱ گزارشها و مدارک مربوط به ایران.

بروز کرد که منجر به تعرض نیروی انگلیس به سواحل جنوبی ایران و قطع رابطه سیاسی دولتین و عزیمت مک نیل سفیر انگلیس از ایران گردید (۱۲۵۴ = ۱۸۳۹) و دولت ایران که بناچار دست از محاصره هرات کشیده بود<sup>۱۰</sup> سفیری بدر بارهای اروپائی فرستاد تا حقوق ایران را به دولت‌های مزبور تفهیم کند و نیز از طرز رفتار مک نیل، در لندن به دولت انگلیس شکایت نماید. ورود این سفیر بپاریس خود از علمی بود که دولت فرانسه، اگرچه آن اعتبار لازم را برای سفیر ایران قائل نشد<sup>۱۱</sup>، مهذا ب فکر افتاد سفیری فوق العاده به ایران بفرستد.

این سفیر که کنت دوسرسی Conte de Sercey بود، مأموریت داشت راجع به روابط بازرگانی ایران و فرانسه و وضع مسیحیان کاتولیک در ایران تحقیق کند و در صورت امکان قراردادی نیز با دولت ایران به بندد<sup>۱۲</sup> اما کنت دوسرسی برخلاف سایر مأموران فرانسه که دولت فرانسه را به داشتن روابط بازرگانی با ایران تشویق و ترغیب می کردند، در گزارش خود نوشت: «خلاصه، من چون بسیاری از ولایات و شهرهای ایران را دیده‌ام، دریافته‌ام که با موقعیت‌های فعلی توسعه و بسط دامنه بازرگانی ما با این کشور ممکن نیست»<sup>۱۳</sup> و سرسی بدین سبب در مورد تجارت با دولت ایران مذاکره‌ای نکرد بلکه تنها در فرمان یکی در مورد حمایت و طرفداری از فرقه کاتولیک و آزادی ایشان و دیگری در

۱۰- به رساله جنگ انگلیس و ایران تألیف کاپیتان هنت ترجمه آقای حسین سعادت نوری از انتشارات مجله یادگار و همچنین بتواریخ دوره قاجاریه و نیز به جلد دوم تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس تألیف محمود محمود رجوع کنید.

۱۱- نام این سفیر حسین خان آجودانباشی بود که چون شایستگی این مأموریت را نداشت (بلکه فقط بسبب اینکه مورد توجه و محبت حاجی میرزا آقاسی بود باین مأموریت اعزام گردید) باحرکات و رفتار نامناسب خود موجب کاهش اعتبار خویش شد. چنانکه روزنامه‌های اروپا بصدا درآمدند.

۱۲- برای آگاهی از جزئیات این مأموریت به جلد ۲۰ مکاتبات سیاسی ایران در بایگانی وزارت امور خارجه فرانسه و سفرنامه کنت دوسرسی تحت عنوان «ایران در سالهای ۱۸۳۹ و ۱۸۴۰» رجوع شود.

۱۳- برگ ۱۹۰ جلد ۲۰ مکاتبات سیاسی ایران.

خصوصاً مصونیت اماکن مذهبی و مؤسسات آنها در ایران، گرفت<sup>۱۴</sup> و بفرانسه بازگشت

بدین ترتیب، ارتباط بازرگانی فرانسه با ایران باز در بوتهٔ اجمال افتاد تا اینکه در ذی‌حجه ۱۲۰۷ قمری (ژانویه ۱۸۴۲) دولت ایران سه تن از کشیشان کاتولیک لازاری تبعه فرانسه را از ایران اخراج کرد<sup>۱۵</sup> و این وضع موجب شد دولت فرانسه بعد از مدتی تسامح و تساهل، کنت دوسارتیژ Conte de Sartiges که منشی سفارت فرانسه در اسلامبول بود برای رسیدگی بموضوع آنها به ایران بفرستد<sup>۱۶</sup> و چون مقارن این احوال کنسول فرانسه در طرابوزان نیز گزارشی جامع در مورد لزوم برقراری روابط بازرگانی با ایران و اهمیت آن بپاریس فرستاده بود<sup>۱۷</sup>، بر اثر آن، دولت فرانسه به کنت دوسارتیژ مأموریت داد علاوه بر مسأله لازاریها، دربارهٔ دائر نمودن ارتباط بازرگانی ایران نیز بررسی نماید<sup>۱۸</sup>.

کنت دوسارتیژ در ششم شعبان سال ۱۲۶۰ (۲۱ اوت ۱۸۴۴) به تهران وارد شد و سه روز بعد بحضور محمد شاه رسید<sup>۱۹</sup> ولی ورود او از همان روزهای نخست با مخالفت‌های سخت سفیر روسیه مواجه گردید<sup>۲۰</sup>.

سارتیژ از بدو ورود خود برای بدست آوردن امتیازاتی تجارتنی کوشش کرد و سه ماه بعد یعنی در سوم ذی‌حجه ۱۲۶۰ (۱۴ دسامبر ۱۸۴۴) موفق شد تعهدنامه‌ای از دولت ایران بدست آورد که مبنای انعقاد یک قرارداد بازرگانی باشد:

- ۱۴- این دو فرمان بتاریخ صفر ۱۲۵۶ قمری از طرف محمد شاه صادر شد و سوادی از آنها در جلد ۲۰ مکاتبات سیاسی ایران ضبط است. بر گهای ۲۱۸ و ۲۲۱.
- ۱۵- برگ ۲۹۳ ج ۱۹ مکاتبات سیاسی ایران.
- ۱۶- در یکی از شماره‌های آینده از مسأله لازاریها و کشمکشهای سیاسی که بر سر آن روی داده بتفصیل صحبت خواهیم کرد.
- ۱۷- برگ ۱۱۱ ج ۹ گزارشها و مدارک مربوط به ایران.
- ۱۸- همان مجموعه برگ ۱۱۲ و برگ ۱۵۱ ج ۱۹ مکاتبات سیاسی ایران: دستور العمل و زادت امور خارجه بکنت دوسارتیژ بتاریخ ۱۴ فوویه ۱۸۴۴.
- ۱۹- برگ ۱۵۸ ج ۱۹ مکاتبات سیاسی ایران.
- ۲۰- همان مجموعه برگهای ۱۸۰- ۱۸۱.

سواد نامه حاجی میرزا آقاسی به گنت دوسارتیز با تعهد نامه بازرگانی

و عالیجاها، بلند جایگاهها، فراست و کیاست اکتناها،  
دوست مهربان شفقاً، بهمه دولت‌های فخریه ظاهر  
و هویدا است کسه دوستی و محبت و مصافات اولیای  
دولت علیه ایران با امنای دولت بهیه فرانسه قدیم واتحاد  
هر دو بایکدیگر چون دوست صمیم میباشد. از روزی که  
آن عالیجاه فطانت آگاه دوست مهربان وارد این ممالک  
فخریه قریبه الارکان شده بواسطه نکته دانی و عقل و فراست  
و خیر و خواهی هر دو دولت ابد مدت یوماً فی یوماً مبانی  
وداد در تشیید و [یک کلمه ناخوانا] الشیام و اتحاد در تراید  
و تأیید آمده. دوستدار را بآن عالیجاه کمال و داد حاصل  
گشته و محبت قلبیه کامل گردیده. لهذا زحمت افزا گشت  
که بعد از تحصیل اذن و رخصت از اولیای دولت بهیه فرانسه  
چندی اینجاها و این صفحات مکث و توقف نمایند و تعجیل  
در مراجعت بوطن اصلی نفرمایند که رشته ارتباط زیادتر  
مستحکم آید و مبنای دوستی و الفت از قدیم قویتر گردد.  
در باب تجارت مصدع می گردد که اگر از تجار معتبره دولت  
بهیه فرانسه بقدر حوصله ممالک دارالامن و الامان ایران  
صانها لله تعالی با اتمه قابله که آلات لهو و لعب و اسباب  
تعطیل خواص و عوام نباشد تشریف بیاورند و گمراک آنرا  
موافق تجار دول مستحابه بکار گذاران این دولت علیه  
بی شایبه نقص و قصور رسانند و ستدار از جانب امنای دولت  
علیه ایران میتواند تعهد نماید که همه جا حمایت آنها  
نموده بارفاه بال معامله مال را کرده خالی از نقص و وبال  
مراجعت با وطن اصلی خود نماید و اگر آلات حربیه باین  
دیوار آورند خود دوستدار موافق سوقیه عادله ابتیاع خواهد

کرد و تشویش از عدم فروش نداشته باشند. زیاده زحمت ضرور نبوده مصدع نماید.

ایام مناعت و اقبال مستدام باد. تحریر آ فی ذی حجه ۱۲۶۰

سارتیژ بدنبال این موفقیت از دولت متبوع خود خواست که اختیارات لازم برای عقد قراردادی باد دولت ایران برای او بفرستند<sup>۲۱</sup> و این همان قرارداد مورد بحث ماست. اما دولت ایران که مدتها بود از اعمال نفوذها و مداخلات نامشروع دولتین روس و انگلیس بتنگ آمده بود و میخواست رقیب دیگری برای آنها بوجود آورد تا از شدت تحریکات و اقدامات آنها کاسته شود، اصرار داشت دولت فرانسه سفارتخانه ای دائمی در ایران داشته باشد<sup>۲۲</sup> و چون کنت دوسارتیژ عنوان نماینده رسمی و سیاسی نداشت بلکه فرستاده فوق العاده بود، دولت ایران موضوع قرارداد بازرگانی را با امروز و فردا می انداخت و نمایندگان روس و انگلیس هم که نمیتوانستند دید دولت دیگری در ایران نفوذ داشته باشد، با کنت دوسارتیژ بودن او در ایران سخت مخالفت می کردند<sup>۲۳</sup> مدارك و مکاتبات سیاسی مربوط باین ایام تمام حاکی از کوشش و تلاش فوق العاده کنت دوسارتیژ برای انعقاد قرارداد مزبور و اصرار دولت ایران جهت دائر شدن يك سفارتخانه دائمی از طرف دولت فرانسه در تهران است ولی دولت

۲۱- برگ ۸۱ جلد ۲۱ مکاتبات سیاسی ایران

۲۲- برگ ۳۳۴ ج ۱۹ و برگ ۲۰ ج ۲۱ مکاتبات سیاسی - این نکته از فحوای گزارشهای کنت دوسارتیژ که حاوی مذاکرات حاجی میرزا آقاسی و اوست مستفاد میشود.

۲۳- برگهای ۱۹۶ ج ۱۹ و ۱۱-۱۲ و ۹۶-۹۷ و ۱۸۵ و ۱۹۸ و ۲۱۱-۲۱۲ و ۲۱۸ ج ۲۱ مکاتبات سیاسی ایران.

مخالفت روسها با فرانسویان در این زمان با اندازه ای بود که حتی راضی بشنیدن تعجید و تعریف از آنها هم نبودند چنانکه در یک روز سلام که سفرای دول خارجی حضور داشتند هنگامیکه حاجی میرزا آقاسی از فرانسه و دوستی و صفای آن دولت صحبت میکرد سفیر روسیه پایبند و صلحی بسیار روی بسفیر انگلیس کرد و گفت: اینطور که معلوم میشود عالیجناب حاجی میرزا آقاسی باز هم حرفها دارند که بگویند - خوبست ما برویم. (برگ ۲۳۰ ج ۲۱ مکاتبات سیاسی ایران.)



فرانسه به‌عللی که در مدارک و اسناد موجود ذکری از آنها نشده پاسخ مثبتی باین خواست دولت ایران نمیداد، تا اینکه در ربیع‌الآخره ۱۲۶۱ (آوریل ۱۸۴۵) دولت ایران در نظر گرفت میرزا ابوالحسن خان وزیر امور خارجه را به سفارت ایران به پاریس و لندن و وین بفرستد<sup>۲۴</sup>. دولت فرانسه نیز که رفته رفته به اهمیت و لزوم روابط بازرگانی با ایران پی برده بود تا در قبال آن بتواند به تجارت خود در آسیا توسعه و رونق بیشتری داده باشد با رفتن میرزا ابوالحسن به پاریس موافقت کرد<sup>۲۵</sup>. اما مصادف با این احوال میرزا ابوالحسن خان بیمار شد و بیماری او اجرای این نقشه را ممتدی بتأخیر انداخت و کنت دوسازتیر که از بتعویق افتادن سفر میرزا ابوالحسن خان نگران بود هر روز از تصمیم دولت ایران جويا میشد تا اینکه حاجی میرزا آقاسی در نامه‌ای که به او نوشت از قطعی بودن حرکت میرزا ابوالحسن خان اطمینان داد:

د بعد العنوان نوشته دوستی سرشته و اصل شد  
 و از مسطوراتش کمال استحضار و آگاهی حاصل آمد اینک  
 در مقام استعمال و استفسار بر آمده بودند که اولیای دولت  
 علیه ایران چندی پیش از این وعده فرموده‌اند و بموجب  
 شرح دولتی با اولیای دولت بهیه فرانسه نوشته اند سفیری  
 از این دولت بآن دولت بپیه خواهند فرستاد باعث تعویق  
 و تعطیل نفرستادن آن سفیر چیست جواب این است که  
 اولیای دولت علیه ایران تازه باین خیال نیفتاده‌اند بلکه  
 بعد از آمدن جناب جلال‌تمآب کونت دوسرسی بسفارت  
 این دولت علیه، پیوسته اولیای این دولت علیه باین عقیده  
 و اراده بوده‌اند که سفیری بزرگ بآن دولت بپیه مأمور  
 و اسباب محاذنت و موالاتی که از قدیم فیما بین دولتین  
 فخرتمین ایران و فرانسه ممد و مؤکد بوده است تشیییدی

۲۴- برکهای ۴۲ و ۴۳ و ۴۶ و ۴۷ ج ۲۱ مکاتبات سیاسی.

۲۵- برکهای ۶۲ و ۶۳ ج ۲۱ مکاتبات سیاسی. نامه شماره ۵ بتاریخ ۲۴ ژون ۱۸۴۵

جدید دهند لیکن چون مدتی بود که فیما بین دولتین علیتین ایران و روم برودت و نقاری بود که و کلای دولتین علیتین در رفع آن غوایل و برودت در ارزنة الروم گفتگو داشتند و در انتظار بودند که بعد از انجام مجلس ارزنة الروم سفیر خود را از راه اسلامبول بآندولت بهیه مأمور و روانه دارند باین سبب این کار در تعویق و تعطیل افتاد . حال که انشاء الله حرف صلح و سازش فیما بین دولتین علیتین ایران و روم قریب با تمام است سفیر این دولت علیه هم مقارن اتمام آن امر مأمور و عازم آن حدود خواهد شد میباید آن دولت مهربان اولیای آن دولت بهیه را از این مقدمه مستحضر سازند که انشاء الله هرگز اولیای دولت علیه با اولیای آن دولت بهیه خلف وعده نخواهند کرد و پیوسته بیک عقیده و اراده هستند .<sup>۲۶</sup>

با وجود این حال ، از عزیمت میرزا ابوالحسن خان خبری نبود و تلاشها و اصرار سارنیز بجائی نمیرسید و از طرفی لزوم ارتباط بازرگانی با ایران و اهمیت بازار این کشور هم ، روز بروز برای فرانسه روشنتر و ثابت تر میشد و این نکته از گزارشی که سارنیز در همین روزها در خصوص اهمیت بازرگانی فرانسه با ایران نوشته است بخوبی معلوم میشود و این است قسمتی از آن گزارش :

هدف ثابت از سیاست انگلیسها در ایران کاملا واضح و روشن است و آن ادامه در فرستادن محصولات صنعتی خود به بازارهای این کشور و از آنجا به بازارهای دولتهای کوچکتر واقع در ساحل راست رودخانه سنداست و همچنین قصد دیگر آن ، تضعیف این کشورهاست که روزی ممکن است ارتشهای اروپائی از آن سرزمینها ، بصورت راه دسترسی به هندوستان استفاده کنند... و ما میخواهیم در یک چنین

کشور مستقلی درهای بازارهایش را بروی کالاهای بازرگانی خود باز کنیم ولی انگلستان هنوز از رقابت بازرگانی محصولات صنعتی ما در منطقه آسیا که بخصوص برای او، حائز اهمیت بسیار است، هیچ ترسی ندارد زیرا در این نواحی معمولاً بیشتر منسوجات پنبه‌ای را طالبند که انگلستان، نوع بهتر و بمقدار کافی از آنرا دارد. بنابراین - این انگلستان از نظر تجارتمی در این ناحیه از جهان هیچگونه مخالفتی با ما نخواهد کرد.<sup>۲۷</sup>

اما آنچه در این روزها موجب نگرانی سفیر فرانسه میشد، موضوع انعقاد قرارداد هائی بازرگانی بود که بین ایران و دولت‌های بلژیک و اسپانیا بسته شده بود و مشابه آن نیز با دولت اطریش در شرف انعقاد بود.<sup>۲۸</sup> حاجی میرزا آقاسی برای رفع نگرانی سارتیز باردیکر گفته بود: دولت فرانسه اطمینان داشته باشد به محض اینکه قضیه اختلافات مرزی ایران و عثمانی رفع شود سفیر ایران بیاریس عزیمت خواهد کرد و این سفیر مأموریت خواهد داشت قراردادهائی در زمینه تجارت و دوستی در پاریس با فرانسه و دروین با امپراطوری اطریش و

۲۷ - گزارش شماره ۲۶ بتاريخ ۳۰ مه ۱۸۴۶ (۴ جمادی الاخره ۱۲۶۲) بر گهای ۲۵۳ و ۲۵۴ ج ۲۱ ولی باید دانست با آنکه بقول سارتیز، انگلیسها در مورد تجارت با فرانسه رقابتی نمی کردند لیکن از وجود نفوذ آنها در ایران راضی هم نبوده اند زیرا در همین ایام در مورد مسائل دیگری بین المللی مثل قضیه هیات‌های مذهبی در پری چارد Pritchard موضوع ازدواجهای اسپانیا، مسأله تضاد منافع دولتین در مدیترانه (دوتونس و مراکش) و ... و ... بین دولتین انگلیس و فرانسه اختلاف بود. (به صفحات ۱۸۲ - ۱۸۶ ج ۵ تاریخ روابط بین المللی تألیف رنون و صفحات ۳۴۴-۳۴۷ تاریخ دیپلماسی از ۱۶۸۸ تا ۱۹۱۹ تألیف دروز و همچنین به ص ۱۹۴ ج ۲ ناسخ التواریخ قاجاریه چاپ نگارنده مراجعه شود) و کار این اختلافات بجائی رسید که در اوایل سال ۱۸۴۷ لونی فیلیپ پادشاه فرانسه در خطبه‌ای رسماً قطع روابط فرانسه و انگلیس را اعلام کرد (ص ۱۸۲ کتاب رنون و ص ۳۴۷ کتاب دروز).

۲۸ - برگ ۲۶۵ ج ۲۱ مکاتبات سیاسی نامه مورخه ۳۰ ژون ۱۸۴۶

پروس منعقد کند<sup>۲۹</sup> ولی بطوریکه استنباط میشود حاجی میرزا آقاسی با کنت دوسارتیز بازی میکرد و میخواست باین ترتیب فرانسه در ایران يك سفارت دائمی برقرار نماید و ضمناً قصد داشت بدانند عکس العمل دولت روسیه که در این روزها با فرانسه میانه خوبی نداشت نسبت بموضوع يك قرارداد بازرگانی با فرانسه چیست و سارتیز هم که بخوبی این حقیقت را درک کرده بود در گزارش خود نوشته است: «با آنکه محمدشاه و صدراعظم نهایت محبت و حسن نیت را نشان میدهند معذراً در کشوری که وقایع غیر منتظره نقش مهمی را بازی میکنند و سهم بزرگی را در جریان وقایع دارد، هرگز نمیتوان به توفیق کامل در برقراری ارتباط درآینده، مطمئن شد و در این صورت بهتر این است که فعلاً تأمل کنیم و در انتظار فرصت مناسبتری باشیم»<sup>۳۰</sup>.

رفته رفته، بیماری میرزا ابوالحسن خان طولانی شد و ناگزیر از وزارت برکنار گردید و مسؤولیت آن وزارتخانه بموجب فرمانی مخصوص بخط محمد شاه به حاجی میرزا آقاسی واگذار گردید<sup>۳۱</sup> (۹ شوال ۱۲۶۲ برابر با ۳۰ سپتامبر

۲۹ - همان برگ و همان مجموعه .

۳۰ - همان مجموعه برگ ۲۶۶

۳۱ - برگ ۳۳ ج ۲۲ مکاتبات سیاسی - کنت دوسارتیز در یکی از گزارشهای خود مینویسد: میرزا ابوالحسن خان غالباً صدراعظم و شاه را از حقایق امور و وقایع بی خبر میکشاد و در بسیاری از موارد هم اخبار محرمانه وزارت امور خارجه به سفارت انگلیس در تهران میرسید . بنابراین میتوان چنین استنباط کرد که برکناری او از وزارت امور خارجه اگرچه بظاهر بسبب بیماری او بوده است ولی در حقیقت بخاطر همین موضوع بوده و از دستخطی هم که محمدشاه به حاجی میرزا آقاسی نوشته و ترجمه فرانسوی آن در بایگانی وزارت امور خارجه فرانسه ضبط است این نکته برمی آید . این است مفاد قسمتی از دستخط مزبور که آنرا از ترجمه فرانسوی آن مجدداً بفارسی برگردانیدیم :

«جناب حاجی، وزارت امور خارجه بایه بنحوی اداره شود که هیچ يك از کارهای آن وزارتخانه از نظر و آگاهی شخص شما دور نماند زیرا امور مربوط باین وزارتخانه حائز اهمیت فراوان است و اگر کمترین غفلتی روی دهد و یا کمترین سستی ظاهر شود زیانها برای مذهب و امور حکومت و بالاخره برای مسؤولیت من در روز قیامت حاصل خواهد نمود و باید امید داشت که بالطف خداوند چنین وضعی پیش نیاید . . . ۹ شوال ۱۲۶۲» ( برگ ۳۳ ج ۲۲ مکاتبات سیاسی ایران ) .

۱۸۴۶) او میرزا محمد علیخان شیرازی خراهرزاده میرزا ابوالحسن خان را که در سال ۱۲۳۴ قمری (۱۸۱۹ میلادی) جزو هیأت سفارت ایران در معیت میرزا ابوالحسن خان بدر بارهای اروپائی رفته و از روابط بادول اروپائی و کارهای وزارت امور خارجه اطلاع بالنسبه کافی داشت به نیابت وزارت امور خارجه انتخاب کرد.<sup>۳۲</sup>

بر کناری میرزا ابوالحسن خان موقعیت مناسبی برای فرانسویان بود زیرا بطوریکه سارتیز در گزارشهای خود نوشته، میرزا ابوالحسن خان با فرانسویان میانه ای نداشته است<sup>۳۳</sup> اما با استنباطی که سارتیز از اوضاع ایران داشت<sup>۳۴</sup> نگرانی که برای او بوجود آمد این بود که با بر کنار شدن میرزا ابوالحسن خان اعزام نماینده ایران به پاریس، اگر بکلی منتفی نمیشد و یا «حوادثی غیر منتظره، پیش نمی آمد، باز تا تعیین شخص دیگری برای این مأموریت مدتی بتأخیر می افتاد و این نگرانی موجب تلاش بیشتر او بمنظور تعیین شخصی که بجای میرزا ابوالحسن خان به پاریس رود، گردید.

مقارن این روزها (شوال ۱۲۶۲ = اکتبر ۱۸۴۶) يك مؤسسه بازرگانی فرانسوی که در طرابوزان بود و ارتباط تجارتنی با اسلامبول و مارسی داشت،

#### بقیه از صفحه روبرو

برای اطلاع از احوالات میرزا ابوالحسن خان که نخستین وزیر امور خارجه ایران بود به مقاله جامع آقای سعادت نوری در شماره دوم نشریه وزارت امور خارجه ایران سال ۱۳۴۵ و مقاله نگارنده این سطور در مجله یغما که ظاهرآ از نظر آقای سعادت نوری دورمانده بوده است رجوع شود.

۳۲ - برگ ۳۳ و ۷۴ ج ۲۲ مکاتبات سیاسی ایران - اینکه آقای مشیری در توضیحات رساله تحقیقات سرحدیه (ص ۱۳۵ شماره ۱ سال دوم مجله بررسی های تاریخی) نوشته اند میرزا قیخان، میرزا محمد علیخان را به نیابت وزارت امور خارجه برگزید باید دانست برای بار دوم و بعکس سابقه بوده است.

۳۳ - در گزارش سی ام اکتبر ۱۸۴۶ سارتیز این عبارات را می یابیم: «... از رفتن میرزا ابوالحسن خان ما باید بسیار خوشحال باشیم و بخودشادباش بگویم زیرا واسطه خطرناکی آنهم در مقام وزارت امور خارجه که غالباً حاجی را معرمانه بدشمنی و مخالفت با ما بر می انگیزت از میان روابط ما و صدر اعظم بر کنار شد». برگ ۲۷ ج ۲۲ مکاتبات سیاسی ایران.

۳۴ - ر.ک. به کمی بالاتر.

نامه‌ای به کنت دوسارتیژ نوشته بود تا از وضع و نحوه مقررات و حقوق بازرگانی در ایران باخبر شود، شاید دامنه کار خود را بی بازار ایران هم بکشاند. اگر چه باستناد شرح مذاکرات و نامه‌های متبادله بین سارتیژ و دولت ایران، وضع تجارت فرانسویان با ایران به همان روال بازرگانی ایران با «سایر دول مستحابه» می‌بود معینا سارتیژ، چون معتقد بود که «مفاد نامه‌های مزبور در مورد پاره‌ای از کالاها، بطور مبهم و غیر مشخص و با ذکر عبارت «غیر ضروری»<sup>۳۵</sup> نوعی قید و شرط قائل شده است»، صلاح در این دید که این ابهام بر طرف و موضوع روشنتر و مشخص تر شود و باین منظور از حاجی میرزا آقاسی خواست فرمائی در این زمینه بامضای شاه که صریحتر و روشنتر باشد و منظور دولت ایران را از عبارت «غیر ضروری» معلوم کند صادر شود.<sup>۳۶</sup>

حاجی میرزا آقاسی که بعلمت نداشتن یک سیاست خارجی مشخص و ثابت، در برابر خارجیها بسیار «سهل‌الوصول» بود و خیلی زود تحت نفوذ و تأثیر قرار می‌گرفت، به کنت دوسارتیژ نیز وعده کرد فرمان مزبور را موافق دلخواه او بامضای شاه برساند ولی روزی که فرمان مذکور را برای امضایش محمد شاه برده بودند، مصادف بود با فردای روزی که قرارداد تجارتی با اسپانی بامضا رسیده و در آن قرارداد نیز مانند قراردادهای ایران با انگلیس و روسیه و بلژیک رعایت تساوی حقوق بین اتباع دولتین متعاین شده بود و شاه بطعنه بصدر اعظم گفته بود: «این فرمان در واقع یک قرارداد حقیقی بازرگانی است که در آن دولت ایران همه چیز میدهد و دولت فرانسه هیچ نمیدهد»<sup>۳۷</sup> و شاه صدر اعظم را مأمور کرد از سارتیژ بخواهد در مقابل واگذاری این فرمان او نیز بنام دولت متبوع خود تعهدی بسپارد که اتباع و بازرگانان ایرانی هم در کشور فرانسه متقابلا از همان امتیازات و حقوق که بازرگانان فرانسوی در ایران دارا خواهند بود، برخوردار باشند<sup>۳۸</sup>. ولی سارتیژ این شرط را

### ۳۵- Frivoles

۳۶ - برگ ۱۴۸ ج ۲۲ مکاتبات سیاسی ایران: گزارش ۱۰ ذویه ۱۸۴۷

۳۷ - برگ ۴۹ ج ۲۲ مکاتبات سیاسی ایران.

۳۸ - برگ ۵۰ همان مجموعه.

نپذیرفت و اصرار داشت فرمان بهمان نحو که تهیه شده است باعضا برسد و حاجی میرزا آقاسی که با مشکل بزرگی روبرو شده بود راه چاره را در این دید نامه‌ای بدولت فرانسه نوشته و در آن همان بیانات شاه را مبنی بر تمهید دولت فرانسه، یادآور شود اما در حدود دو ماه، موضوع با امروز و فردا گذشت و نامه مزبور نوشته نشد.

در خلال این مدت دولت ایران در نظر گرفت میرزا محمدعلیخان رابعبای میرزا ابوالحسن خان بدر بار فرانسه بفرستد<sup>۳۹</sup> (ذی حجه ۱۲۶۲ برابر با دسامبر ۱۸۴۶) و این روزها درست مقارن با روزهای اختتام معاهده مرزی ایران و عثمانی بود که بوساطت دولتین روس و انگلیس در ارزنة الروم بسته میشد<sup>۴۰</sup> و دولت ایران در نظر داشت میرزا محمدعلیخان در این سفر کار عهدنامه مزبور را نیز بانجام رساند.

انتخاب میرزا محمدعلیخان بسفارت پاریس با مخالفت شدید نمایندگان روس و انگلیس مواجه شد<sup>۴۱</sup> و از این رو بدولت ایران فشار آوردند که میرزا محمدعلیخان ابتدا کار عهدنامه با عثمانی را بپایان رساند، آنگاه بیاریس برود ولی کنت دوسار تیز معتقد بود مأموریت اصلی میرزا محمدعلیخان سفارت پاریس و مذاکره در باب روابط بازرگانی بین دو دولت است و نباید یکسره بیاریس برود و در بازگشت، به اسلامبول کار معاهده ایران و عثمانی را بگذرانند. بالنتیجه کشمکش بین نماینده فرانسه و نمایندگان روس و انگلیس از اینجا شدت یافت<sup>۴۲</sup> بقسمی که پرنس دالکورو کی Dolgorouki در يك مجلس میهمانی در حضور عده‌ای از نمایندگان خارجی گفته بود: « برای

۳۹ - برگ های ۵۰ و ۵۱ همان مجموعه.

۴۰ - این معاهده چون در شهر ارزنة الروم [ارزان الروم - ارض روم - ارز روم] بسته شد، بمعاهده دوم ارزنة الروم معروف است و معاهده اول ارزنة الروم در ذیقده ۱۲۳۸ قمری در زمان فتحعلیشاه مشفق گردیده بود. برای متن این دو عهدنامه بمجموعه معاهدات و قراردادها تألیف مؤتمن الملك و همچنین بتواریخ دوره قاجاریه مثل تاسخ التواریخ و منتظم ناصری و روضه الصغای ناصری مراجعه کنید.

۴۱ - برگهای ۵۲ و ۱۵۴ - ۱۵۷ ج ۲۲ مکاتبات سیاسی ایران.

۴۲ - برگ ۵۱ همان مجموعه.

من تردیدی نیست که میرزا محمدعلیخان به نمایندگی ایران در بساب عالی تعیین خواهد شد و تا مسأله عهدنامه ایران و عثمانی پایان نپذیرد بیاریس نخواهد رفت و این مسأله هم تا ده سال دیگر تمام نمی شود.<sup>۴۳</sup> و باین سخنان میخواست قدرت و نفوذ خود را در دربار تهران ثابت نماید.

این اعمال نفوذها و مداخلات نامشروع نمایندگان روس و انگلیس که محمد شاه و حاجی میرزا آقاسی را سخت ناراحت کرده بود، خود موجب شد توجه و تمایل شاه و صدراعظم او بجانب دولت فرانسه بیشتر جلب شود لذا مصمم شدند بفرنجی باشد میرزا محمدعلیخان را بفرانسه بفرستند.

زمان مناسب بنظر کنت دوسارتیز قرار سیده بود که باز موضوع قرارداد را بمیان بکشد و بساین نظر بدولت ایران اعلام کرد حال که دولت ایران میخواست نمایندۀ خود را بدربار پاریس بفرستد، مبانی و اصول قراردادی که بین دولتین منعقد می شود همانست که در اینجا مشخص و روشن شده است ولی اگر نماینده ایران در پاریس، در نظر دارد مطالبی دیگر مطرح نماید باید قبلاً معلوم باشد. ولی حاجی میرزا آقاسی اظهار داشته بود: «انعقاد قراردادی بر اساس اصول و مطالبی که تا کنون مطرح بوده، در اوضاع و احوال امروزی نه تنها مفید فایده ای نیست بلکه بهمان اندازه مخاطراتی نیز در بر دارد.» اضافه کرده بود: «دولت ایران در وضع فعلی، در نظر ندارد از دولت اعلیحضرت پادشاه فرانسه جز دوستی و جلب حمایت معنوی تقاضائی کند.»<sup>۴۴</sup>

بدین ترتیب مسأله انعقاد عهد نامه بازرگانی با دولت فرانسه بلا تکلیف و مبهم ماند ولی دولت ایران در فرستادن میرزا محمد علیخان همچنان مصمم بود و در نظر گرفته شد او را از راه سوریه و بیروت به ماریسی روانه نمایند.<sup>۴۵</sup> اما بالاخره میرزا محمدعلیخان در ۱۸ ربیع الاخره ۱۲۶۳ (اول آوریل ۱۸۴۷) تهران را ترک گفت که از راه تبریز و ارزنة الروم و طرابوزان به اسلامبول و سپس به فرانسه برود.<sup>۴۶</sup> و چنانکه رسم سفرای آفرهان بود، در خارج از شهر تهران

۴۳ - برگ ۱۷۵ همان مجموعه - گزارش مورخه ۲۰ ژوئیه ۱۸۴۷ کنت دوسارتیز.

۴۴ - برگ ۵۲ همان مجموعه گزارش ۱۰ ژانویه ۱۸۴۷ سارتیز.

۴۵ - برگهای ۵۸ و ۵۹ همان مجموعه.

۴۶ - برگ ۲۲ ج ۶۴ مکاتبات سیاسی ایران و صفحہ ۱۹۳ ج ۲ ناسخ التواریخ چاپ نکارنده.



و در نیم فرسنگی راه تبریز چند روزی توقف کرد تا هر کس مایل بدیدار و تودیع باومی بود بدیدن وی برود و سرانجام، در ۲۵ ربیع الاخره (هشتم آوریل) از آنجا بسوی تبریز حرکت نمود.<sup>۴۷</sup>

با عزیزت میرزا محمدعلیخان تلاش و مساعی نمایندگان روس و انگلیس برای آنکه مانع رفتن او بیاریس شوند شدت یافت و بدین مقصود دسایسی برمی‌انگیختند تا حاجی میرزا آقاسی نتواند پولی را که برای هزینه این سفر لازم است فراهم نماید مگر آنکه ابتدا موضوع عهدنامه ارزنة الروم پایان یابد.<sup>۴۸</sup> ولی تحریکات آنها بجائی نرسید و حاجی میرزا آقاسی مبلغ هفت هزار تومان بابت مخارج میرزا محمدعلیخان به کنت دوسار تیز داد تا بوسائلی که خود میداند بیاریس حواله نماید.<sup>۴۹</sup> و ناگزیر سفرای روس و انگلیس ب فکر چاره دیگر افتادند و این بود که بعنوان مختلف مدت بیست و یک روز میرزا محمدعلیخان را در طرابوزان معطل کردند.<sup>۵۰</sup> و بقسمی براو تنگ و سخت گرفته بودند که سارتیز در گزارشی که در این زمینه بوزارت خارجه فرانسه فرستاده است نوشته بود: «میرزا محمدعلیخان و عموم همراهان او سخت بیمناکند که مبادا حادثه ناگواری برای آنها روی دهد».<sup>۵۱</sup>

مقارن همان روزها که میرزا محمدعلیخان در طرابوزان و یاد رراه طرابوزان بود ( اوائل رجب ... او آخر ژوئن ) ، نامه وزارت امور خارجه فرانسه متضمن قبول شروطی که دولت ایران برای بستن قرارداد تجارتهی پیشنهاد کرده بود رسید و در آن نامه ، وزیر امور خارجه فرانسه به کنت دوسار تیز نوشته بود :

۴۷ - برگ ۶۸ ج ۲۲ مکاتبات سیاسی

۴۸ - برگهای ۱۷۶ و ۱۷۸ همان مجموعه .

۴۹ - برگ ۲۲۷ همان مجموعه . کنت دوسار تیز در جای دیگر این مبلغ را شصت هزار

فرانک نوشته است ( برگ ۵۹ ج ۲۲ ) .

۵۰ - برگ ۱۹۵ ج ۲۲ مکاتبات سیاسی - ولی مؤلف ناسخ التواریخ که مطالبی درباره

این سفر نوشته است نه تنها از مزاحمتها و گرفتاریها سخنی نگفته بلکه می نویسد: « از

بایزید و طرابوزان بامسکانتی در خور عبور کرد و از آنجا بکشتی بغداد نشسته روانه اسلامبول

گشته، ص ۱۹۴ ج ۲ چاپ نکارنده .

۵۱ - برگ ۱۹۵ ج ۲۲ مکاتبات سیاسی.

«آقای کنت ... من به پیوست این نامه، کاغذی را که برای صدراعظم ایران نوشته شده و رونوشتی از آن نیز برای شما همراه است، می فرستم. گمان میکنم این نامه رضایت خاطر صدراعظم را حاصل میکند و بخواست های او جواب میدهد زیرا در آن ازدوستی فرانسه برای اعلیحضرت پادشاه ایران و صدراعظم صحبت شده و در عین حال متضمن اطمینانهایی است در مورد پذیرائی گرم و شایسته ای که از میرزا محمدعلیخان بعمل خواهد آمد. در خصوص اعلام موافقتی که اعلیحضرت شاه خواسته اند، دولت فرانسه آنرا تأیید میکند تا بر اساس متقابل، دولت ایران قرارداد و یا فرمانی مشابه آنچه برای سایر دول مستحابه بامضاء رسیده برای بازرگانی ما هم صادر گردد. ولی من چنین میدانم که این موافقت، از همان هنگام که شما موضوع را مطرح کرده اید و اجازه یافتید قرار دادی بازرگانی با دولت ایران منعقد کنید خود بخود ابلاغ و تأیید شده بوده منتهی اینکه بآن توجهی نشده است. مهذا باز تکرار میکنم شما تعلیمات لازم را در این مورد داشته اید و اینک هم اختیار تام دارید ...»<sup>۵۲</sup>

با وصول این نامه مشکل قرارداد مرفوع شد و حاجی میرزا آقاسی پس از دریافت آن با خوشحالی گفته بود: «حالا ببینید، بتنهائی می نشینیم و قراردادی برای بازرگانی دو دولت می بندیم»<sup>۵۳</sup> و سارقیتر که پیشدستی کرده متن عهدنامه را بدو زبان فرانسه و فارسی آماده کرده بود، در همان روز آنرا بحاجی میرزا آقاسی تسلیم نمود و بدین ترتیب در ۱۸ رجب (دوم ژویه) موافقت دولت ایران برای انعقاد قراردادی که مدت سه سال کنت دوسارقیتر در خصوص آن تلاش

۵۲ - برک ۱۵۳ همان مجموعه .

۵۳ - برک ۱۷۴ همان مجموعه .

نی کرد، بالاخره بدست آمد<sup>۵۴</sup> و چند روز بعد یعنی در دهم شعبان ۱۲۶۳ برابر با ۲۴ ژوئیه ۱۸۴۷ قرارداد مزبور بین ایران و فرانسه در تهران بسته شد<sup>۵۵</sup> و گنت دوسارتیز فوراً آنرا به اسلامبول فرستاد که سفیر فرانسه در اسلامبول، متن آنرا قبل از رسیدن نماینده ایران بفرانسه، به پاریس بفرستد. از طرفی حاجی میرزا آقاسی نیز برای جلوگیری از تحریکات روسها و انگلیسها چنین وانمود کرد که میرزا محمدعلیخان دستور دارد در اسلامبول بماند تا عهدنامه‌ای که بین دولتین ایران و عثمانی بسته شده بتوشیح محمد شاه برسد و متن تصویب شده آنرا که برای او خواهند فرستاد در اسلامبول مبادله نماید.<sup>۵۶</sup> ولی در حقیقت میرزا محمدعلیخان دستور داشت بیش از ۱۵ روز در اسلامبول توقف ننموده و فوراً بصوب پاریس حرکت کند.<sup>۵۷</sup>

در اسلامبول کشتی فرانسوی موسوم به گوویه Cuvier برای بردن میرزا محمدعلیخان که بر اثر مساعی و مجاهدت بارون بورگنه Baron Bourquency نماینده فرانسه در عثمانی، توانسته بود خود را به اسلامبول برساند<sup>۵۸</sup> از مدتی پیش لنگر انداخته و انتظار او را می‌داشت.<sup>۵۹</sup>

در اسلامبول، انگلیسها و روسها باز برای اینکه از رفتن میرزا محمدعلیخان جلوگیری کنند، آخرین تیری که در ترکش داشتند را کردند، باین معنی که یادداشتی متفقاً به میرزا محمدعلیخان فرستادند و مضمون آن این بود که سفیر ایران در اسلامبول صبر کند تا چاپاری که در راه است و متن تصویب شده

۵۴ - برگ ۳۰۲ ج ۹ گزارشها و مدارک مربوط بایران و برگ ۹ ج ۲۵

۵۵ - ترجمه فارسی این قرارداد بدست نیامد ولی متن فرانسوی آن که در بالای آن نوشته شده: «منمقد در ۲۴ ژوئیه ۱۸۴۷ که هنوز بتصویب پادشاه ایران نرسیده است» درج ۲۲ مکاتبات سیاسی از برگ ۱۸۸ تا ۱۹۰ ضبط است.

۵۶ - برگ ۲۲۹-۲۳۰ ج ۲۲ مکاتبات سیاسی.

۵۷ - برگ ۱۷۶ همان مجموعه.

۵۸ - برگ ۲۲۶ همان مجموعه.

۵۹ - برگهای ۱۸۵ و ۱۸۷ و ۲۰۸ ج ۲۲ مکاتبات سیاسی ایران.

عهدنامه را از تهران می آورد برسد<sup>۶۰</sup> و سفیر فرانسه مقیم اسلامبول نیز که بوسیله کنت دوسارتیز از انعقاد قرارداد و دستور دولت ایران آگاه شده بود و میدید میرزا محمدعلیخان از فشار نمایندگان روس وانگلیس بیمناک شده و در حال تسلیم شدن است، نامه ای بصورت يك اتمام حجت ولی مؤدبانه بدین مضمون برای میرزا محمدعلیخان فرستاد :

۲۱ اوت ۱۸۴۷ (۹ رمضان ۱۲۶۳)

..... با ورود چاپار تهران این جانب از قطعیت حرکت شما با اطلاع شدم و اکنون باردیگر و برای آخرین دفعه، آن عالیجناب را بموقعیت مهم و اهمیت تصمیم متوجه مینمایم که او امر رسیده از دربار تهران حاکمی بر این است که آنجناب بیش از پانزده روز نباید در اسلامبول توقف نمایند. توقف کشتی کوویه نیز که دولت اعلیحضرت پادشاه فرانسه، مشفقانه در اختیار آن جناب گذارده اند نباید بطول انجامد و تا بیست و ششم اوت بیشتر در اسلامبول نخواهد بود. مضمون کلیه مکاتبات متبادله بین اینجناب و آنجناب را شخصاً به تهران خواهم فرستاد که در جریان وقایع و تصمیمات باشند<sup>۶۱</sup>.

چاپاری که باید میرسید و نمایندگان دولتین روس و انگلیس امیدوار بودند حامل متن تصویب شده عهدنامه است و وصول آن موجب بعقب افتادن حرکت میرزا محمدعلیخان خواهد شد، بالاخره رسیدن او بر خلاف انتظار آنها

۶۰- برگ ۲۰۸ همان مجموعه - مؤلف ناسخ التواریخ می نویسد : « وزیر مختار روس و انگلیس از وی خواستار شدند که دو ماه در اسلامبول متوقف باشد و از بهر آنکه سفارت فرانسه برایشان ناگوار بود رضا نمیدادند که دولت ایران با فرانسه از در اتفاق و مهربانی باشند و طریق تجارت فراز کنند و از فرانسه سفیری در ایران متوقف باشد و از نیک و بد در میان دولتها سخن کند و توقف میرزا محمد علیخان را در اسلامبول از وی آن می جستند که تدبیری اندیشیده باشند که (اولیای دولت ایران حکمی بفتح وزارت اوصاد و کنند».

س ۱۹۴ ج ۲

۶۱- برگهای ۲۰۹ و ۲۱۰ ج ۲۲ مکاتبات سیاسی ایران .

نه تنها حامل عهدنامه مصوبه نبود بلکه دستخطی از شاه همراه داشت که به میرزا محمدعلیخان دستور داده شده بود بیش از پانزده روز در اسلامبول نماید<sup>۶۲</sup> و میرزا محمدعلیخان، ناگزیر به تهیه مقدمات حرکت خود پرداخت. وزرای مختار روس و انگلیس چون از تصمیم میرزا محمدعلیخان آگاه شدند بدست و پا افتادند و بطوریکه مؤلف ناسخ التواریخ نوشته است، نامه‌ای باو نوشتند که «تاکنون ما از قبل خود خواستار بودیم و پذیرفتار نشدید، اینک از قبل دولت خواهش میکنیم که دو ماهه در اسلامبول توقف کنید. میرزا محمدعلیخان در جواب گفت که شما رضا ندهید که من حکم دولت خویش را فرو بگذارم و مورد عتاب و عقاب آیم. روز دیگر کار بر آن نهادند که در سرای تیتوف<sup>۶۳</sup> انجمن شوند و در این امر سخن کنند. روز دیگر که مجلس آراسته گشت میرزا محمدعلیخان احکامی که از کارداران دولت داشت ظاهر ساخت و مکشوف افتاد که جز سفارت فرانسه داخل هیچ امری نتوان شد.<sup>۶۴</sup>

با این مشکلات، میرزا محمدعلیخان در ۱۴ رمضان (۲۶ اوت)<sup>۶۵</sup> با کشتی کوویه بطرف پاریس حرکت کرد و خبر حرکت او چون به کلنل شیل Sheil و پرنس دانگوروسکی وزرای مختار انگلیس و روس رسید، برآشفتنند و یادداشتی متفقاً به حاجی میرزا آقاسی فرستادند و در آن، از رفتار دولت ایران که ایشان را آنچنان اغفال کرده بود، سخت کله کردند<sup>۶۶</sup>. ولی بهر حال، میرزا محمدعلیخان در بندر تولون Toulon بخاک فرانسه وارد گردید و در آنجا با احترامات و تشریفات شایسته‌ای نظیر آنچه بموجب مقررات دولتی برای یک مارشال

۶۲- برگهای ۱۷۶ و ۲۱۳ و ۲۱۴ همان مجموعه.

۶۳- وزیر مختار روسیه در دربار باب عالی.

۶۴- ص ۱۹۴ ج ۲ چاپ نکارنده.

۶۵- برگ ۲۳۰ ج ۲۲ مکاتبات سیاسی - ناسخ التواریخ نوشته است. میرزا محمدعلیخان

۲۷ روز در اسلامبول بود. ص ۱۹۴ ج ۲

۶۶- برگ ۲۳۰ ج ۲۲ مکاتبات سیاسی.

فرانسوی بعمل می آید از او استقبال شد<sup>۶۷</sup> و از آنجا با همراهان خود در هفتم شوال ۱۲۶۳ (۱۸ سپتامبر ۱۸۴۷) بیاریس رسید.

در پاریس، مهمانخانه رن Hotel du Rhin واقع در میدان واندوم Vendome را برای اقامت او تعیین کردند<sup>۶۸</sup> و آبه دسگرانژ Abe Desgranges که آشنائی و وقوف کامل بزبان فارسی و عادات و رسوم شرقی ها داشت برای مهمانداری او معین شد<sup>۶۹</sup>.

ولی این گونه رفتار و احتراماتی که از طرف اولیای دولت فرانسه نسبت به میرزا محمدعلیخان بعمل آمد، موجب گردید میرزا محمدعلیخان بسبب کم-ظرفی، موقعیت شخصی و مسؤولیت سیاسی خود را فراموش کرده، بجای حفظ منانت و وقار، بر تکبر و غرور خویش بیفزاید.

وزیر امور خارجه فرانسه در نامه ای که برای کنت دوسارتیز فرستاده شرح این سبکسریها را بتفصیل نوشته است و بی مناسبت نیست قسمتی از آنرا در اینجا بیاوریم:

د آقای کنت. من هیچیک از توصیه ها و نظرات شمارا که درباره این سفیر و بخصوص در مورد ضعف نفس او بمن نوشته بودید از نظر دور نداشتم<sup>۷۰</sup>. محمدعلیخان

۶۷- برگهای ۲۰۵ و ۲۰۶ همان مجموعه: نامه وزارت جنگ فرانسه بوزارت خارجه بتاریخ ۱۰ اوت - بنابر نوشته مؤلف ناسخ التواریخ در تولون - حاکم شهر اوردو بمکانتی تمام در آورد و بفرمود تا طبل سلام بکوفتند و توپهای کشتیهای جنگی را آتش دزدند و عرض راه سه کالسه حاضر داشت و از دو طرف راه سربازان را بر صف کرد و در منزلی نیکو فرود آورد و بعد از ورود او صاحبان منصب با جامه های نظام بدیدار او آمدند و شب دیگر حاکم شهر، او را بتماشاخانه دعوت کرد. ع. من ۱۹۴ ج ۲

۶۸- برگ ۲۲۰ ج ۱۱ گزارشها و مدارک سیاسی ایران.

۶۹- برگ ۲۲۶ ج ۲۲ مکاتبات سیاسی ایران.

۷۰- کنت دوسارتیز در نامه مورخه دوم اوت ۱۸۴۷ خود نوشته بود: « اینک بخود جرات میدهم که از حالی جناب تقاضا کنم با سفیر ایران با نهایت لطف و مهربانی رفتار شود و با او از صدراعظم با تحسین و تمجید گفتگو فرمایند و همچنین در مذاکرات خود از کشور او تملیح بسیار نمایند» (برگ ۱۹۹ ج ۲۲) و نیز در گزارش دیگری بتاریخ آوریل همان سال

بقیه در صفحه رو برو

بسیار سهل و آسان تحت تأثیر قرار میگیرد و هیچ اقدامی نمی کنند مگر بر اثر تلقینات اطرافیان، بخصوص القآت منشی جوان و کم تجربه ای که با او است - چنانکه جهالت و سبکسری و غرور بی حد او موجب شده است سفیر به کارها و اقداماتی مبادرت کند که تأسف آوراست و بر اثر همین تلقینات است که سفیر پیش از آنکه بحضور اعلیحضرت پادشاه شرفیاب شود، در مورد چگونگی تشریفات، انتظارات و توقعاتی کاملاً غیر معقول و غیر منطقی داشت. او میخواست هنگامی که بحضور شاه شرفیاب میشود، چون رسم و معمول در فرانسه سفرا را از نشستن در حضور شاه منع کرده است، شاه هم بایستد و یا اگر شاه نمی ایستد او هم بنشیند. مسجود گرانزه او را متوجه ساخت که هر کشور رسوم و آداب و عاداتی خاص خود دارد و سنن و تشریفات هر کشور مخصوص بخود آن است. سفرای خارجی هنگامی که بحضور پادشاه فرانسه میرسند و استوارنامه های خود را تقدیم می نمایند در برابر پادشاه که نشسته است، می ایستند و جز این نباید کرد ولی بموقع خوردن شام و یادرنمایشهایی که در دربار برپا میشود و ایشان دعوت داشته باشند، میتوانند نشست و حال آنکه در دربار ایران بنحو دیگر است ولی میرزا محمد علیخان در ادعای خود اصرار می ورزید و میگفت اگر پادشاه باید او را نشسته بپذیرد و او بایستد پس این قرار درآینده برای سفرای فرانسه هم که بایران می آیند باید ملحوظ گردد و سفرا

بقیه از صفحه روپرو

درباره تاریخچه زندگی میرزا محمد علیخان و صفات و اخلاق و تحصیلات و خانواده او مطالب مفصلی نوشته است. (از برگ ۷۳ تا ۷۸ ج ۲۲) که در جای خود قسمتی از آنرا نقل خواهیم کرد.

در جلسات رسمی حق نشستن در حضور پادشاه ایران را نداشته باشند.

«چون این توقع هم با اساسسترو منطقی تر از توقع اولی نبود، ناگزیر باو گفته شد که او در این سفر مأموریتی برای عقد قراردادی در زمینه تشریفات پذیرائی سفراندارد بعلاوه اگر چنین قراری گذاشته شود تصور می رود موضوع عهدنامه مودتی که بالفعل مورد بحث و بین دو دولت در حال انتقاد است در بوته اجمال بماند زیر انمایند پادشاه فرانسه که در تهران است اگر نتواند از همان حقوق که نمایندگان سایر دول برخوردارند، بهره مند گردد، بدون تردید در ایران نخواهد ماند ...»

بعد از این پاسخ، میرزا محمدعلیخان دست از اصرار و دعوی خود برداشت و برای شرفیابی بحضور اعلیحضرت عازم کاخ کمپنی ینی Compiègne گردید.<sup>۲۱</sup>

۷۱- برک ۲۲۶-۲۲۷ ج ۲۲ - مؤلف ناسخ التواریخ این داستان را بنحو دیگری ضبط کرده و این است قسمتی از مندرجات آن کتاب: «..... مسیو کیزو، کلمه ای چند از میل خاطر پادشاه بدیدار او بگفت. محمدعلیخان در پاسخ گفت که هر گاه ما در پیشگاه شاهنشاه ایران حاضر می شویم جامه ای درمی پوشیم که آن خاص حضور است و چون میان دولتین اتحاد حاصل است در این حضرت نیز با آن جامه حاضر خواهم شد. دیگر آنکه سر تیج [منظور کنت دو ساوتیو است] ایلچی فرانسه که در ایران اقامت دارد در حضرت پادشاه رخصت جلوس دارد مرا نیز اجازت نشستن میباید. مسیو کیزو نیم ساعت مهلت نهاد و پادشاه خویش را دیدار کرده باز آمد و پاسخ چنین آورد که لوی فیلیپ میفرماید که سفیر ایران در مجلس نخستین چنان با مادر آید که بر پادشاه ایران درمی آید و از این پس در هر مجلسی اجازت نشستن از بهر اوست. میرزا محمدعلیخان مرض کرد امروز با دیگر روزها بیخونتی ندارد. اگر امروز مرا اذن جلوس نیست هیچ روز نخواهم نشست. دیگر باره مسیو کیزو بدرگاہ رفته اذن جلوس او بیاورده. (س ۱۹۵) و چون این شرح را با مندرجات نامه وزارت خارجه فرانسه که به سفیر خود در تهران نوشته است و بالطبع برخلاف حقیقت نمیتواند بود، مقایسه کنیم باین نشیبه میرسیم که میرزا محمدعلیخان در بازگشت بایران بمنظور اینککه در انظار اولیای ایران شخصیت و اهمیتی برای خود کسب کرده باشد، حقایق قضیه را بعلاوه جلوه داده و مؤلف ناسخ التواریخ هم که همزمان با او بوده، بیانات و دعاوی او را بکمان صحت و اعتبار، هیناً نقل نموده است.



با وجود این احوال، چون دولت فرانسه در سیاست بازرگانی خود به برقراری ارتباط تجارتمی با ایران و مشرق علاقمند بود، این سبکسریها و بدادائیها و همچنین این رفتار تکبرآمیز میرزا محمد علیخان را نادیده گرفت و با احترام و تشریفات شایان توجهی از او پذیرائی نمودند بقسمی که در روزی که میرزا محمد علیخان برای تقدیم استوارنامه خود بحضور پادشاه فرانسه میرفت (۱۶ شوال مطابق با ۲۷ سپتامبر) دو کالسکه از کالسکه‌های سلطنتی که هر يك با هشت اسب کشیده میشد و بطرز بسیار عالی و مجللی تزئین شده بود برای بردن سفیر فرستادند و سفیر با پسرش عبدالوهاب خان و دونفر از کارمندان تشریفات وزارت امور خارجه وآبه دگرا نزه و يك افسر از گارد مخصوص در کالسکه اول و بقیه اعضاء سفارت باتفاق موسیو ویدال Vidal مترجم سفارت فرانسه که از تهران با سفیر آمده بود در کالسکه دوم سوار شدند و در پیشاپیش کالسکه‌ها دو صف از سربازان سواره نظام حرکت می کردند و با این تشریفات به قصر کمپی‌ینی رفتند.

در مدخل کاخ، دو گروهان پیاده و يك دسته موزیک، مراسم احترام نظامی بجا آوردند و در حیات تشریفات کاخ بوسیله گارد ملی و دسته گارد سلطنتی نیز احترامات نظامی بعمل آمد.<sup>۷۲</sup>

پس از پایان مراسم شرفیابی، میرزا محمد علیخان با کلیه همراهانش بتماشای يك مانور نظامی که در همان حدود ترتیب داده شده بود حضور یافتند و سپس از طرف شاه و ملکه و خانواده سلطنتی نیز با گرمی و محبت پذیرائی شدند.<sup>۷۳</sup>

بدنبال این تشریفات، عهدنامه بازرگانی که متن و سواد آن پیشاپیش توسط کنت دوسار تیز در تهران تنظیم و بدولت ایران ارائه شده بود به امضا رسید و سرانجام، دو ماه و چند روز بعد، میرزا محمد علیخان از بندر مارسو بصوب ایران بکشتی نشست.<sup>۷۴</sup> ولی در اسلامبول چاپاری از ایران

۷۲- برک ۲۲۱ ج ۱۱ گزارشها و مدارک سیاسی.

۷۳- برک ۲۲۶ ج ۲۲ مکاتبات سیاسی ایران.

۷۴- در ۲۵ ذی حجه ۱۲۶۳ مطابق با ۴ دسامبر ۱۸۴۷ برک ۲۵۹ ج ۲۲ مکاتبات سیاسی.

رسید و عهدنامه ای را که میرزا تقیخان وزیر نظام ( امیر کبیر بعدها ) در ارزنة الروم با دولت عثمانی بسته بود باو سپرد که باکارداران دولت عثمانی مبادله نماید. ۷۵

در اسلامبول ، بار دیگر ضعف نفسی که در میرزا محمد علیخان بود ، کار خود را کرد باین معنی که بنا بر نوشته میرزا جعفر خان مشیرالدوله ، نمایندگان روس و انگلیس چهار هزار تومان رشوه باسم جایزه سلطانی باو داده باصرار و ابرام نوشته موافق دلخواه دولت عثمانی از او گرفتند، ۷۶ و این نکته را لسان الملك نیز عیناً در فاسخ التواریخ ضبط کرده است . ۷۷ و چون این دو نوشته را با یادداشتهای کنت دوسارتیز که در شرح احوال میرزا محمد علیخان نوشته است تطبیق کنیم به صحت مندرجات آنها پی می بریم. سارتیز در مورد میرزا محمد علیخان نوشته است :

میرزا محمد علی خان بهیچ دسته ای بستگی ندارد ولی بی گمان از هیأت های خارجی و اشخاصی که بقلم او احتیاج داشته اند تعارفات و پولهای می گرفته است همچنانکه میرزا ابوالحسن خان وزیر امور خارجه سابق و حاجی میرزا آقاسی از این گونه پیشکش ها و تعارفات گرفته اند و میگیرند . اما نمیدانم که بسبب این ارتشاء و فساد زیانی بحال کشور و دولتش مترتب شده باشد و بهمین سبب هم اعتقاد کامل دارم در موقعیتی مخصوص که الحال در پاریس دارد رفتار او هرگز مضر باحوال فرانسه نخواهد بود. ۷۸

۷۵ - فاسخ التواریخ ج ۲ ص ۱۹۶.

۷۶ - ر. ک. به متن رساله تحقیقات سرحدیه مندرج در شماره ۱ سال دوم مجله بردسیهای تاریخی ص ۱۴۱

۷۷ - صفحه ۱۹۷ ج ۲

۷۸ - برك ج ۷۵ ص ۲۲ مکاتبات سیاسی ایران - سارتیز در پایان شرح حال میرزا محمد علیخان چنین اضافه کرده است: «میرزا محمد علیخان بهیچوجه مورد محبت و توجه روسها نیست زیرا از آنها خوشش نمی آید اما بدون آنکه علاقه خاصی هم نسبت بانگلیسی ها داشته باشد بیشتر تمایلش بجانب آنهاست.» برگ ۷۶ همان مجموعه.

و از اینجا میتوان نتیجه گرفت که احتمالاً میرزا محمد علیخان در پاریس هم پس از انعقاد عهد نامه بازرگانی، از پیشکشاها و تعارفات دولت فرانسه کامی شیرین کرده است و از جمله، قدر مسلم اینکه کلیه مخارج او و همراهانش در مدت اقامت در فرانسه و همچنین هزینه رفت و آمد او از اسلایمبول تا فرانسه و بالعکس را دولت فرانسه داده بود<sup>۷۹</sup> و بالنتیجه مبلغ هفت هزار تومانی که دولت ایران برای خرج سفر او داده بود خواه ناخواه برای وی باقی مانده است.

اما با تمام این احوال، باید دانست آنچه از عهدنامه مزبور انتظار میرفت بالاخره بدست نیامد زیرا تساهل دولت فرانسه در مبادله عهدنامه که قرار بود در ظرف ششماه مبادله شود، موجب شد فرصت‌های مناسب از دست رفت، باین معنی که عهدنامه مزبور تا ماه محرم ۱۲۶۴ (دسامبر ۱۸۴۷) بعللی که در مدارک رسمی شرح داده نشده<sup>۸۰</sup>، بدست فراموشی سپرده شد تا اینکه بر اثر یادآورهای مکرر کنت دوسارتیز دولت فرانسه در اواخر دسامبر هیأتی را بریاست دانو Dano نامی که خود او برای منشی‌گری سفارت فرانسه در ایران تعیین شده بود مأمور بررسی و تحقیق بیشتر درباره امکانات بازرگانی فرانسه با ایران و چگونگی بهره‌برداری از مفاد قرارداد مورد بحث نمود و دانو با این مأموریت بصوب ایران حرکت کرد<sup>۸۱</sup> اما هنوز بایران نرسیده بود که انقلاب فوریه ۱۸۴۸ در فرانسه وقوع یافت و حکومت پادشاهی در آن کشور به جمهوری تبدیل شد.

در تهران، کنت دوسارتیز، با آنکه در بادی امر با حرارت بسیار میگفت «او هرگز جمهوری را برسمیت نمی‌شناسد و هزار بار ترجیح میدهد خود

۷۹- برك ۲۲۰ ج ۱۱ گزارشها و مدارک سیاسی ایران.

۸۰- تنها اقدامی که در این فاصله مدت صورت گرفت تغییر مقام کنت دوسارتیز مأمور فوق‌العاده فرانسه بود که از ۲۴ نوامبر به مقام وزارت مختاری ترفیع یافت (برگ ۲۵۲ ج ۲۲ مکاتبات سیاسی) و بدین ترتیب دولت فرانسه در تهران دارای سفارتخانه دائمی شد.

۸۱- برك ۱۱۴ ج ۱۰ گزارشها و مدارک سیاسی.

را نوکر و خدمتگزار لوئی فیلیپ بداند تا ما مورع‌القدر جمهوری،<sup>۸۲</sup> ولی خیلی زود تغییر عقیده داد و پرچم سه رنگ جمهوری فرانسه را بر بالای عمارت سفارت فرانسه در تهران برافراشت.

گزارش جامعی که دانو از بررسی‌ها و تحقیقات خود بیاریس فرستاد<sup>۸۳</sup> و بعد هم نامه‌های متوالی سارتیز که در خصوص بلاتکلیفی خود مینوشت بالاخره موجب شد دولت جمهوری فرانسه پس از فراغت از مسأله انقلاب، دوباره بفکر تجارت با ایران بیفتد و باین نظر عهدنامه مورد بحث را برای تشریفات مبادله با تحف و هدایائی بوسیله مسیو دانو ارسال داشت<sup>۸۴</sup> ولی هنگامی که تهران رسید که محمد شاه روز پیش در گذشته بود (ششم شوال ۱۲۶۴ قمری = ۵ سپتامبر ۱۸۴۸) و ناصرالدین شاه در معیت میرزا تقی خان امیر کبیر بسوی تهران میرفت.

دانو خود را به تبریز رسانید ولی میرزا تقی خان ببهانه اینکه زمان مناسب نیست و شاه در حال حرکت به تهران است بعلاوه هنوز از روابط شاه مرحوم با حکومت جمهوری فرانسه اطلاعی ندارد او را نپذیرفت<sup>۸۵</sup> و در تهران هم چون استوارنامه‌ای از جانب دولت جمهوری برای سارتیز نرسیده بود، کنت دو سارتیز هر قدر تلاش می‌کرد خود را نماینده دولت جمهوری بشناساند، میرزا تقی خان زیر بار نمی‌رفت.

در این گیرودار بمناسبت جلوس ناصرالدین شاه قرار بود تعدادی نشان و امتیاز به سفرای دولت‌های خارجی مقیم تهران داده شود. کنت دو سارتیز هم در این ماجرا سعی و تلاش بسیار می‌کرد باو نیز نشانی اعطا شود و چون از دریافت نشان مأیوس شد در حال خشم، نشانی را که محمد شاه باو داده بود برای دولت ایران پس فرستاد و این امر موجب رنجش دولت ایران از او گردید و تصادفاً در همین روزها استوارنامه او از طرف رئیس جمهور

۸۲- رساله‌جایی دیپلماسی فرانسه در ایران، ص ۱۰۰ بفرانسه که نه نام مؤلف و نه اسم ناشر آن معلوم است.

۸۳- متن این گزارش از برگ ۱۲۲ تا ۱۳۱ جلد ۱ گزارشها و مذاکرات سیاسی موجود است.

۸۴- برگ ۲۸۳ ج ۲۲ مکاتبات سیاسی و ص ۱۱ رساله دیپلماسی فرانسه.

۸۵- ص ۹ دیپلماسی فرانسه در ایران.

فرانسه رسید و روزی که برای تقدیم استوارنامه خود بحضور ناصرالدین شاه رفت، هنگامی که شاه نامه او را پس میداد، سارتیژ پیش رفت تا آنرا از دست شاه بگیرد ولی ناصرالدین شاه دست خود را پس کشید و نامه را به او نداد و به رئیس تشریفات دربار سپرد و این عمل رنجش باطنی شاه را نسبت به سفیر فرانسه نشان میداده.<sup>۸۶</sup>

پس از این تاریخ، کنت دوسارتیژ هر اندازه برای بتصویب رساندن عهدنامه منعقد تلاش کرد بحائلی نرسید و امیر کبیر در پاسخ او گفته بود: «این عهدنامه بمن پادشاه سابق ایران و دولت سلطنتی فرانسه بسته شده و اینک رژیم حکومت فرانسه تغییر کرده است. بهتر است بنشینیم و عهدنامه‌ای که منافع طرفین را متقابلاً محفوظ بدارد، مشابه همان قراردادی که ایران با دولت بلژیک بسته است، ببندیم»<sup>۸۷</sup> و بدین نحو، دولت ایران به کنت دوسارتیژ فهمانید دیگر او در دربار ایران، آن مقام و موقعیت را ندارد که بتواند سیاست سابق خود را تعقیب نماید.

کنت دوسارتیژ که در وضع ناگواری قرار گرفته بود در جمادی الاخره ۱۲۶۵ (۲۷ آوریل ۱۸۴۹) اتمام حاجتی از طرف دولت فرانسه بانضمام سواد موافقتنامه دولت ایران با انعقاد قرارداد مزبور بدولت ایران فرستاد ولی دولت ایران بدان ترتیب اثری نداد و سارتیژ بالنتیجه از تهران خارج شد و انتظار داشت که دولت ایران او را فراخواند و بهمین جهت از تهران تا طرابوزان را در شرف چهارماد طی کرد<sup>۸۸</sup>.

بدین ترتیب قراردادی که پس از سه سال تلاش و کوشش نماینده فرانسه (از شعبان ۱۲۶۰ تا شعبان ۱۲۶۳ قمری) بمرحله انعقاد رسید با تمام اهمیت و

۸۶- ص ۱۱ و ۱۲ دیپلماسی فرانسه در ایران.

۸۷- ص ۱۲ همان کتاب - دریک گزارش سیاسی که پنج سال بعد از این وقایع تنظیم گردیده، در خصوص قبول نشدن این قرارداد نوشته شده است: «مخالفات‌های شدید و محرمانه روس و انگلیس مانع اتمام کار این قرارداد شد. (برک ۳۰۳ ج ۹ گزارشها و مدارک سیاسی) و در دستورالعمل سیاسی که در محرم سال ۱۲۷۱ قمری (سپتامبر ۱۸۵۴) به مسیو بوره Bourée وزیر مختار فرانسه در ایران داده شده نیز همین مطلب را می‌بینیم (برک ۹ ج ۲۵ مکاتبات سیاسی).

۸۸- برک ۳۰۳ ج ۹ گزارشها و مدارک سیاسی و برک ۹ ج ۲۵ مکاتبات سیاسی.

ارزشی که برای دولت فرانسه می‌داشت بر اثر تساهل، آن دولت و بعد هم بی‌ظرفی، جاه‌طلبی و شتابزدگی همان نماینده و از طرفی به سبب بیداری و دوراندیشی خاص امیر کبیر بدست فراموشی سپرده شد و بطلان آن، نقش مهم سیاستمدار و يك فرد منتخب جامعه و دولت را در تاریخ روابط بین‌المللی بار دیگر بشیون رسانید.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی